

شرق

روزنامه

دوشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۳ • ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶ • ۲۰ اکتبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۹۵۴ • ۱۲ صفحه
 اذان ظهر تهران ۱۱:۴۹ • اذان مغرب ۱۷:۲۹ • اذان صبح فردا ۴:۵۳ • طلوع آفتاب ۶:۱۷



برداشت بی‌رویه آب از جاهای اطراف بناهای تاریخی نقش رستم، چند سالی است منجر به فرونشست زمین و ایجاد شکاف‌های بزرگی در اطراف این بناها شده و چالش‌های بسیاری را ایجاد کرده است. عکس: احمدرضا مداخل، فارس

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

پناه شیخ‌صنعتان‌های جوان

درباره‌های خانیکی



علی اصغر سیدآبادی

او در یک شب و یک نگاه تجربه کرد و مستأصل بود. بچه‌ها کسانی مثل او را به اتاق هادی خانیکی راهنمایی می‌کردند. نمی‌دانم چقدر شفاف‌بخش بود، اما می‌دانم بسیاری از آن یک‌شنبه دین و دل از دست داده‌ها، امروز از ارادتمندان استاد قدیم‌شان هستند.

اردیبهشت سال ۱۳۷۶ نامه‌ای در حمایت از سیدمحمد خاتمی نوشته و از نویسندگان و روزنامه‌نگاران کودک و نوجوان امضا جمع کرده بودیم. بردیم ستاد تبلیغات انتخاباتی تحویل بدهیم که معرفی‌مان کردند. به دکتر خانیکی، تازه آنجا بود که با تصویر دیگری از او آشنا شدیم. پس آن استاد مهربانی که شیخ‌صنعتان‌های جوان دین و دل یکجا از دست داده دانشگاه کوچک ما را پناه بود و در شنیدن صدای تنش‌های درونی ما بردبار بود، اهل سیاست هم بود و ما نمی‌دانستیم، با بهتر است بگویم من نمی‌دانستم، نسل بعد از ما که انکار از سرزمینی دیگر آمده بودند، می‌دانستند و آنجا رفت‌وآمد داشتند. بعد از آن دیدار ارادت و احترام من به هادی خانیکی بیشتر شد که به‌رغم داشتن گرایش سیاسی مشخص، همه دانشجویان را به یک چشم می‌دید. پس از آن روز او را در بزرگراه‌های مهم و روزهای سخت به یاد می‌آورم؛ با آرامشش در توفان‌ها و از پای نشستنش در سکوت‌ها و سکون‌ها. آنجایی که همه ناامید و مستأصل حاشیه‌نشینی و زاویه‌نشینی را انتخاب می‌کنند، او پاسدار امید است و فعال اجتماعی. آنجایی که شور و هیجان همه را دربر می‌گیرد، او اندیشناک است و آرام و پست صحنه.

او یکی از پی‌لای رابطه است که همیشه چیزی از دوران شور و هیجان را همچون توشه‌های ای روزهای سسکوت و سکون می‌رساند. پشت بسیاری از سخنرانی‌های تأثیرگذار، گفتمان‌های جذاب و کارهای کارستان او ایستاده است؛ طوری که دیده نشود. در هر کار درست دواطلبانه‌ای که خیرش به مردم و ایران برسد، اگر همراهی بخواهید، می‌توانید روی هادی خانیکی حساب کنید.



اوایل دهه ۷۰ در دانشکده ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی با هادی خانیکی آشنا شدم که نظریه‌های ارتباطات درس می‌داد. اما آنچه او را در چشم دانشجویان جذاب می‌کرد، درس دادنش نبود، رابطه‌اش با دانشجویان بود. هرکس عاشق می‌شد، هرکس دنبال کار می‌گشت، هرکس شکست می‌خورد، هرکس گرفتار در درس می‌شد سراغ او می‌رفت در اتاق خیلی کوچکش. استادان دیگری بودند که از او جذاب‌تر بودند، اما هیچ‌کدام به اندازه او دانشجویان را جدی نمی‌گرفتند و رفتار متواضعانه و برابر نداشتیم. سر کلاس گاهی خاطره‌ای از گذشته تعریف می‌کرد، اما از گذشته‌اش خبری نداشتیم. بعدها فهمیدیم که آن روزها دوران افول جناح چپ و نسلی از انقلابیون بود که داشت دوران‌شان تمام می‌شد. ما در این دوران افول با یکی از آن نسل آشنا شده بودیم که فعالیت اجتماعی و سیاسی‌اش را از کار چریکی آغاز کرده بود و بعد سر از روزنامه‌نگاری و مدیریت در آورده بود و احتمالاً در همان سال‌ها که ما سر کلاسم می‌نشستیم، او آن همه شور و هیجان را پشت سر گذاشته و در آرامش به آنچه پشت سر گذاشته بود، فکر می‌کرد. دوران، دوران بازنگری بود و مهم‌ترین چهره‌های فرهنگی آن روزگار، نمایندگان تغییر بودند؛ عبدالکریم سروش و محسن مخملباف. ما بدون اینکه بدانیم در دوره گذار قرار گرفته بودیم؛ گذار از انقلابی‌گری، ما که در مدرسه درس انقلاب خوانده بودیم، ما که در جوانی شیفته علی شریعتی بودیم، حالا همه خواننده‌ها و شیفتگی‌هایمان در برابر توفان قرار گرفته بود. آن روزها هادی خانیکی بدون اینکه بفهمیم پناه ما بود، بدون اینکه بشناسیمش و حتی بدون اینکه از خط و برطش خبر داشته باشیم، دانشجویی شهرستانی را می‌شناختم، یک مذهبی دواتشه که در تهران پای سخنرانی عبدالکریم سروش با فرانت‌های مختلف از دین آشنا شده بود و تمام پرهیزکاری‌اش سر کلاس در نگاهی دود شده بود. تغییری را که نسل انقلابی طی چند سال تجربه می‌کردند،

آکادمی

کارمند یا دانشجو؟



بابک زمانی

نورولوزیست

هفته گذشته وزیر بهداشت اعلام کرد هیئت دولت تصویب کرده است از این پس قبول‌شدگان دوره‌های تخصصی و فوق تخصصی پزشکی نه به عنوان دانشجو که به عنون صاحبان شغل و مشمول قوانین استخدامی شناخته خواهند شد. این خبر نه تنها تحت‌الشعاع اخبار تند سیاسی قرار گرفت، بلکه در عرصه عمومی هم بسیاری معنا و اهمیت آن در سیستم سلامت را درک نکردند.

بی‌تردید این مسئله یکی از معدود روزنه‌هایی است که اهم اصلاحات می‌تواند بلا نفوذ در آنها صخره سهمگین بحران سلامت را اندکی جابه‌جا کند. مسئله‌ای که فقط به معیشت پزشکان و دستیاران مربوط نیست و فراتر از آن به مصالح سلامت و جامعه مربوط می‌شود.

هم‌اکنون کشور بر اثر ناکارآمدی و انکار واقعیت‌ها و اقتصاد در دولت‌های گذشته، به بحران سلامتی گرفتار شده است و سیستم سلامت در اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین درمان‌های خود که بیشترین ارتباط را با سطح سلامت کشور دارند، بیشتر و بیشتر بر سیستم برده‌داری متکی شده و اقتدار دولت تنها به دستور و برنامه‌ریزی مستقیم برای بردگان تقلیل یافته است.

دولت بر اساس برخی نظریات کهنه و ساده‌لوحانه خود را متولی تمام خدمات درمانی کشور نشان داده، هیچ تفکیکی در نوع خدمات قائل نشده و سیستم اقتصادی را که مستلزم محاسبه دقیق هزینه‌های لازم برای این ادعاست نیز بر اساس سیستم برده‌داری محاسبه کرده است. وقتی امکان استخدام به شکل واقع‌بینانه‌ای وجود ندارد، تنها با کمک دستیاران که طبق قوانین موجود نه حقوق که به بهانه آموزش تنها اندکی کمک‌هزینه تحصیلی دریافت می‌کنند، می‌تواند سرروته قضیه را هم بیاورد. آن هم در حالی که با توجهی اندک به امکانات آموزشی متوجه می‌شویم «حداقل» امکانات آموزشی هم وجود ندارد. برای گسترش سیستم سلامت هرچا که لازم شد، بلافاصله دستور صادر می‌شود که سهمیه‌های دستگیری را زیاد کنید تا «بردگان بی‌مزد و بی‌منت»، مشکلات درمانی را در اقصی نقاط کشور مرتفع کنند و برای آنکه خدای ناکرده بردگانی که به طمع و امید گرفتار آمده‌اند هوس فرار نکنند، زنجیرهایی میلیاری به پایشان بسته و تهدیداتی به داغ بر روحشان گذاشته شود تا آن حد که خودکشی بردگان نیز نتواند در این برده‌داری مدرن خلسی وارد کند. در عین حال امپراتوری ناکارآمد و ناتوان چشم‌شان خود را بر این واقعیت بست که پزشکان تا بتوانند می‌گریزند و مهاجرت می‌کنند و اگر بمانند به حاشیه‌ها و زیبایی‌ها می‌پردازند تا ایرانیان اگر می‌بیزند و ناتوان می‌شوند، بشوند، مهم آن است که زیبا و لاغر بمیرند. اشکال کوچک‌تر «برده‌داری در سیستم سلامت»، مصائب زندگانی پزشکان و دستیاران است و اشکال بزرگ‌تر در سیستم سلامت است که بی‌تردید خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر را متحمل می‌شود. اشکال بزرگ‌تر آن است که سیستم برده‌داری با مختصات سرمایه‌داری پیشرفته موجود به‌شدت در تناقض است.

تصمیم وزارت بهداشت در استخدام دستیاران کام مهمی است که دولت با رعایت حقوق بشر آهسته‌آهسته می‌تواند هزینه‌ها و دست‌مزد‌های سلامت را به رسمیت بشناسد و چون هزینه می‌کند، بر کیفیت آن نظارت کند و آهسته‌آهسته قوانین مدرن را در همه شئون‌ات سلامت به رسمیت بشناسد.

بی‌تردید این راه و این تصمیم بدون حمایت جامعه پزشکی، همه ما کسانی که سیستم برده‌داری را نقد کرده‌ایم، بدون تشویق و ترغیب و درخواست وزارت برای ادامه آن، راه به جایی نخواهد برد.

یادداشت

باز هم چه زود دیر می‌شود

بهرام سمیع

در مطلع کلام بی‌مناسبت نیست به خاطره‌ای که سال گذشته اتفاق افتاد، اشاره‌ای کنم. صبح یک روز اسفندماه بود که تلفظم به صدا درآمد، آن سوی خط شخصی محترمانه گفت از وزارت جهاد کشاورزی تماس می‌گیرم، قرار است مراسم تجلیل از فرماندهان مهندسی زرمی برگزار شود. آقای حاج غلامعلی سمیع از فرماندهان ما بودند که شنیده‌ام به رحمت ایزدی پیوسته است، پس خواستم همسر ایشان در مراسم تجلیل شرکت کند. گفت: متأسفانه مادرم در آبان‌ماه آسمانی شدند و در رثای این جمله معروف «چقدر زود دیر می‌شود» مقاله‌ای نگاشتم.

پس از حادثه غیرمترقبه سقوط بالگرد مرحوم رئیسی، قوه عاقله نظام به پزشک‌های، پزشک خوش‌نام و نماینده مقبول و مردمی و مورد حمایت اصلاح‌طلبان فرصت حضور در رقابت انتخابات ریاست جمهوری داد و سپس با صیانت از آرا، زمینه ورود ایشان به پاستور را فراهم کرد و با کنترل تندرهای مجلس، همه اعضای کابینه رای اعتماد گرفتند.

اتفاقات حاصل از این تصمیم‌ها و شعارهای آقای پزشک‌های، اگرچه نتوانست ۶۰ درصد مردم در مرحله اول و ۵۱ درصد در مرحله دوم را پای صندوق‌های رای بیاورد، اما به‌طور محسوسی موجب امید و نشاط در جامعه و افزایش سرمایه اجتماعی نظام شد.

اکنون قریب به صد روز از مراسم تحلیف رئیس جمهور گذشته و به‌جز تغییر ریل از دولت خالص‌سازان و انحصارگرایان به دولت وفادار ملی (شرکت تعاونی وفادق) تقریباً هیچ کار محسوسی صورت نگرفته و آن‌چنان کارهای روزمره ذهن و اوقات رئیس جمهور، وزرا و مسئولان درجه اول دولتی را اشغال کرده که نه تنها شعارهای آقای پزشک‌های ماندن رفیق فیلترینگ، FATF، حاکمیت

همایش زن در تاریخ محلی ایران (پهنه شمال)



- ۷- زنان و پوشش: لباس‌های محلی و پیوند آن با طبیعت و فعالیت‌های روزمره و...
- ۸- زنان و معماری: تأثیر زیست‌زانه بر معماری منطقه
- ۹- زنان و نهادهای مدنی: حضور زنان در تأسیس و تداوم نهادهای مدنی منطقه مانند خیریه‌ها، «ان‌جی‌او»ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و...
- ۱۰- زیست‌زانه، ویژگی‌های متمایز زیست‌زنان در این منطقه، فرصت‌ها و محدودیت‌های آن
- ۱۱- مادرانگی زنان و مدیریت نقش‌ها: تربیت فرزندان، تجربه بارداری و مادری، تجربه متفاوت از فرزند دختر و پسر
- ۱۲- مردسالاری و پدرسالاری: بررسی زوایای مختلف مردسالاری و پدرسالاری و تأثیر آن بر زندگی و جایگاه زنان
- ۱۳- زنان و محیط زیست: پیوند زیست‌زانه با طبیعت و محیط زیست منطقه و تأثیرپذیری متقابل
- ۱۴- نابرابری‌های جنسیتی: نشان‌دادن وجوه متمایز و مشابه نابرابری جنسیتی در این منطقه در مقایسه با دیگر مناطق کشور
- ۱۵- زنان سرپرست خانوار: بررسی آماری، شیوه زیست و مشکلات زنان سرپرست خانوار
- ۱۶- مواجهه زنان با خشونت: خشونت‌های خانوادگی، اجتماعی و...
- ۱۷- زنان و مهاجرت: بررسی نسبت پدیده مهاجرت با زنان هم به‌عنوان مبدأ مهاجرت و هم مقصد
- ۱۸- زنان و زبان: تجربه زیسته زنان از زبان و گویش‌ها، زنان و زیست شهری و روستایی
- ۱۹- زنان و رسومات: جشن‌ها و آیین‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌های محلی
- ۲۰- زنان، حاملان میراث ناملموس: سواد و علوم میراثی، عاملیت فرهنگی و هویتی
- ۲۱- زنان و خودآگاهی: خودآگاهی فرهنگی و هویتی. شایان ذکر است که ستره تاریخی موضوع همایش از اسطوره تا اکنون است و از آنجا که ممکن است محورهای پیشنهادی همه جوانب تحقیقات محلی نگاران را در موضوع این نشست پوشش ندهد، موضوعات و محورهای مرتبط با تاریخ محلی منطقه مدنظر از سوی نویسندگان قابل ارائه و بررسی خواهد بود.

انجمن زنان پژوهشگر تاریخ، با سابقه‌های نزدیک به سه دهه فعالیت علمی، در راستای اهداف علمی و فرهنگی خود برای بازشناسی تاریخ زنان، که ازجمله بخش‌های ناشناخته در حوزه مطالعات تاریخی است، پژوهش و بررسی مسائل زنان و امکانات، فرصت‌ها و موانع پیش‌روی آنان را در حوزه نوینی از مطالعات تاریخی و تاریخ محلی مدنظر قرار داده است. «تاریخ محلی» دانشی برای بازنگری گذشته در مقیاس محلی - منطقه‌ای است. این شاخه از تاریخ در هر مقطع زمانی بر آن است تا پدیده‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در قالب پژوهش‌های تاریخی در مناطق مختلف شناسایی و تبیین کند. این انجمن، پس از برگزاری سمینارهای دوسالانه با موضوع «زن در تاریخ ایران و سپس جهان اسلام از آغاز تا دوره معاصر» موضوع زن در تاریخ محلی ایران را مورد توجه قرار داده که پس از برگزاری موفقیت‌آمیز دو همایش در پهنه جنوب و پهنه غرب، در نظر دارد:

«همایش زن در تاریخ محلی ایران، پهنه شمال» را اردیبهشت سال ۱۴۰۴ در استان مازندران، شهر ساری برگزار کند.

این بار این انجمن و انجمن ایرانی تاریخ از همه علاقه‌مندان دعوت می‌کند تا با همراهی و مشارکت فعال، در مسیر تبیین نقش و جایگاه تاریخی زنان در پهنه شمال ایران همراه شوند.

محورهای همایش زن در تاریخ محلی ایران (پهنه شمال)

- ۱- مباحث نظری و روش‌شناسی، مرتبط با تاریخ محلی و تاریخ زنان
- ۲- زنان و تاریخ‌نگاری: زنان تاریخ‌نگار و آثار مربوط به زنان منطقه و حضور زنان در تاریخ شفاهی
- ۳- زنان و کنشگری سیاسی: نقش زنان در رخدادهای سیاسی، مدیریت و مشارکت زنان در امور سیاسی
- ۴- زنان و اقتصاد: حضور زنان در عرصه اقتصاد منطقه با بررسی زنان مالک و زمین‌دار، مشاغل روستایی زنان، زنان کارآفرین و صاحب‌کسب‌وکار، زنان و کسب‌وکار خانگی و کوچک، حضور زنان در بازارهای منطقه
- ۵- زنان و فرهنگ و ادب و هنر: زنان تأثیرگذار و خلاق در حوزه هنر زنان در ادبیات و اساطیر، افسانه‌ها، قصه‌ها، لالایی‌ها و اشعار و...
- ۶- زنان و دانش: فعالیت‌های علمی و پژوهشی زنان

از نویسندگان محترم درخواست می‌شود مقالات خود را با اندازه ۱۴ تا ۲۰ هزار کلمه به آدرس الکترونیکی زیر ارسال کنند:

Zanantarikh@gmail.com

آخرین تاریخ برای دریافت چکیده مقالات: ۳۰ آذر ماه ۱۴۰۳

آخرین تاریخ برای دریافت اصل مقالات: ۱۰ اسفند ۱۴۰۳

مشارکت‌کنندگان: باشگاه اندیشه، نشر تاریخ ایران، انجمن زنان کارآفرین، انجمن ایرانی مطالعات زنان.

اتفاق

درخواست انجمن صنفی از رئیس قوه قضائیه

توقف اجرای حکم دوروزنامه‌نگار



شرق: پس از ابلاغ اجرای حکم زندان برای دو روزنامه‌نگار روزنامه‌های «شرق» و هم‌میهن، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران از رؤسای دو قوه مجریه و قضائیه درخواست کرد که برای توقف حکم وارد عمل شوند.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در بیانیه‌ای اعلام کرد: «خبر ابلاغ حکم پنج سال حبس نیلوفر حامدی و الهه محمدی، دو نفر از اعضای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، باعث نگرانی روزنامه‌نگاران و اهالی رسانه شد و در پی آن پویش‌های گوناگونی برای پیشگیری از اجرای حکم به راه افتاد.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران ضمن اعلام نگرانی خود از اجرای احتمالی این حکم، به اطلاع اعضای خود می‌رساند برای پیشگیری از وقوع این اتفاق، از دو مسیر موضوع را به اطلاع ریاست محترم جمهوری و ریاست محترم قوه قضائیه رساند و مجدداً از آنها درخواست کرد برای توقف اجرای حکم به ماجرا ورود پیدا کرده و همه تلاش خود را در این زمینه به کار ببندند.

از آنجا که این دو روزنامه‌نگار از اتهام اصلی‌شان که ارتباط با دولت‌های متخاصم بود، تبرئه شده‌اند و منطقی مشمول عقو سراسری اعلام شده بودند، بازگشت آنها به زندان قابل دفاع نیست. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران مصرانه از رئیس قوه قضائیه می‌خواهد از اختیارات خود برای تعلیق حکم این دو روزنامه‌نگار استفاده کند.»



ارتباط با روزنامه شرق

T.ME/ALOSHARGH